

۶. مرحوم نائینی در بیان فرق بین قاعده فقهی و مسئله اصولی می نویسد: نتیجه مسئله اصولی فقط برای مجتهد نافع است در حالی که قاعده فقهی هم برای مجتهد و هم برای مقلد قابل استفاده است. البته پیش از مرحوم نائینی، شیخ انصاری به این نکته اشاره داشته است. ایشان می نویسد:

«نعم يشكل كون الاستصحاب من المسائل الفرعية : بأن اجراءها في موردها - أعني : صورة الشك في بقاء الحكم الشرعي السابق، كنجاسة الماء المتغير بعد زوال تغيره - مختص بالمجتهد وليس وظيفة للمقلد، فهي مما يحتاج اليه المجتهد فقط ولا ينفع للمقلد، وهذا من خواص المسألة الاصولية؛ فإن المسائل الاصولية لما مهّدت للاجتهد و استنباط الأحكام من الأدلة اختص التكلم فيها بالمستنبط، ولا حظ لغيره فيها.»

اما مرحوم شیخ این منا را نپذیرفته است که در ادامه به آن اشاره می کنیم.

مرحوم نائینی به همین مطلب به نوعی دیگر اشاره دارد:

«و بتقريب آخر : نتيجة المسألة الاصولية إنما تنفع المجتهد ولا حظ للمقلد فيها؛ و من هنا ليس المجتهد الفتوى بمضون النتيجة، ولا يجوز له أن يفتي في الرسائل العملية بحجية الخبر الواحد القائم على الأحكام الشرعية مثلاً؛ لأنّ تطبيق النتيجة على الخارجيات ليس بيد المقلد بل هو من وظيفة المجتهد. و اما النتيجة في القاعدة الفقهية فهي تنفع المقلد؛ كما يفتي بقاعدة التجاوز و الفراغ و الضرر و الحرج و ما لا يضمن بفساده و بالعكس، و غير ذلك من القواعد الفقهية»^۱

توضیح :

مسئله اصولی مثل حجیت استصحاب و حجیت خبر واحد، مستقیماً در اختیار مقلدین قرار نمی گیرد، بلکه مجتهد آن را بر موارد جزئی تطبیق می دهد و نتیجه آن را در اختیار مقلدین می گذارد مثلاً می گوید : اگر وضو داشتی و شک در بطلان آن پیدا شد، کما کان وضو برقرار است. در حالی که قاعده فقهی چنین نیست مثلاً در قاعده ید، مجتهد به آن فتوی می دهد و تطبیق آن به عهده مقلدین است و لذا می گوید هر چه در اختیار کسی است، محکوم به آن است که ملک صاحب ید است.



۱. فوائد الاصول، ج ۴ : ص ۳۰۹